

قال زين العابدين عليه السلام : حَقُّ الْمُسْتَنْصَحِ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَيْهِ النَّصِيحَةَ ، وَ لِيَكُنْ مَذْهَبُكَ الرَّحْمَةَ وَ الرَّفْقَ بِهِ .

حق کسی که از تو پند و نصیحت می طلبد این است او را اندرز دهی و با رفق و مدارا وی را راهنمایی کنی.

(مکارم الاخلاق، ص ۴۸۹)

۱۴۵

موعظه خوبان

www.serajnet.org

موعظه خوبان شماره ۱۴۵ / شهریور ماه ۹۵

معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی سپاه

سال اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل

سوء عاقبت

شیخ عارف ما روحی فداه می فرمود : هیچ وقت لعن شخصی نکنید، گرچه به کافری که ندانید از این عالم [چگونه] منتقل شده، مگر آن که ولی معصومی از حال بعد از مردن او اطلاع دهد. زیرا که ممکن است در وقت مردن، مؤمن شده باشد. پس [کافران را] لعن به عنوان کلی نکنید. ... می فرمودند: « تعبیر به کافر نیز نکنید در قلب : شاید نور فطرتش او را هدایت کند و این تعبیر و سرزنش، کار شما را منجر به سوء عاقبت کند. »

[امام خمینی - ره ، چهل حدیث (شرح حدیث بیست و هشتم) جلد اول ،
نشر علامه طباطبایی ، ۱۳۶۶ ، ص ۱۲۰]



غافل ترین مردم!

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): أَغْفَلُ النَّاسِ مَنْ لَمْ يَتَغَيَّرِ الدُّنْيَا مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ (بخارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۱۲)

غافل ترین مردم کسی است که از تبدلاتی که در عالم وجود دارد و بالخصوص در میان انسان ها بوجود می آید، پند نگیرد؛ چون این دنیا پر از موجبات پند است؛ چنانچه در آیه کریمه قرآن آمده است: وَ سَكَنَ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ. به کسانی که به دولت و مقامی رسیدند، تذکر می دهد، می گوید: این جایی که شما امروز نشستید، قبل از شما یک عده دیگری نشسته بودند، آن ها رفتند، شما آمدید. از این تبدل حالات، تغیر مسیر تاریخ بشر، بالا رفتن ها، پایین آمدن ها، انسان باید پند بگیرد. پند هم انواع و اقسامی است، فقط این نیست که انسان احساس کند این نعمت زوال پذیر است، البته این یکی از پند هاست. اگر امروز من و شما نعمتی داریم، دیگران هم قبل از ما بودند که این نعمت را داشتند، از آن ها گرفته شد. ... تصور نکنیم ابدی است، تصور نکنیم تضمین شده و قطعی است. این نعمت را بایستی با شکر الهی و ادای وظیفه نعمت حفظ کرد. ... کمک الهی، هدایت الهی نسبت به مومنین، نسبت به شاکرین؛ و عکسش غضب و سخط الهی، نقت الهی برای نا سپاسان. در زمان خودمان و به چشم خودمان، از نزدیک دیدیم که خدای متعال به (عمل کننده دستورات الهی) اجر می دهد و به کفران کننده نعمت، نقت می دهد. این ها را در مقابل چشم خودمان مشاهده کردیم. این هم یک سلسله از پندهاست. پس کسی که این ها را نگاه نمی کند، پند نمی گیرد، واقعا غافل است.

[شرح حدیث از امام خامنه ای مدظله العالی در مقدمه درس خارج ۱۳۹۳/۲/۱۶]



ای کاش ناراحتی خود را بروز می دادم!

در زمان قدیم، حمام های عمومی دارای خزینه بود. روزی مرحوم آیت الله شاه آبادی رحمه الله علیه به حمام رفته بودند و پس از شست و شوی خود، وارد خزینه شدند و بعد از آب کشیدن بدن، چون می خواستند از سطح حمام بگذرند، احتیاط می کردند که آب های کثیف بر بدنشان نریزد. سرهنگی که او نیز در حمام بود، چون احتیاط ایشان را دید، زبان به طعن و تمسخر گشود و به ایشان اهانت کرد. ایشان از این تمسخر و طعن او خیلی ناراحت شدند، اما چیزی نگفتند و به راه خود ادامه دادند. فردای آن روز مشغول تدریس بودند که صدای عده ای که جنازه ای را حمل می کردند، شنیدند. پرسیدند چه خبر شده است؟ اطرافیان جواب دادند: آن سرهنگی که دیروز در حمام به شما اهانت کرد، وقتی از حمام بیرون آمد، سر زبانش تاول زد و درد آن هر لحظه بیشتر شد و معالجه ی دکترها هم سودی نبخشید و در کمتر از ۲۴ ساعت، از دنیا رفت. بعدها، هر وقت که آیت الله شاه آبادی از این قضیه یاد می کردند، متأثر و ناراحت می شدند و می فرمودند: « ای کاش آن روز در حمام به او پرخاش کرده و ناراحتی خود را بروز می دادم تا گرفتار نمی شد. »

[آسمانی (شرح زندگانی عارف مکتوم ، حضرت آیت الله شاه آبادی) ، ص ۳۷]

